

بررسی سفال دالما بر اساس مطالعه سفال‌های آذربایجان و کرمانشاه

محسن حدیدی*

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ، دانشگاه زاهدان

چکیده

با نگاهی گذرا به اطلاعات باستان‌شناختی شمال غرب ایران در دوره پیش از تاریخ می‌توان دید که بیش‌تر مطالعات انجام گرفته در این منطقه در قسمت‌های حاشیه دریاچه ارومیه متمرکز بوده است. متأسفانه بیش‌تر مطالعات صورت گرفته در شمال غرب، مربوط به دوره‌های مفرغ و پس از آن بوده و کمتر به دوره مس و سنگ پرداخته شده است. همچنین بیش‌تر اطلاعات منتشر شده مربوط به این منطقه، مربوط به همین زمان‌ها است و از دوره دالما اطلاعات اندکی در دست است به حدی که انتشارات مرتبط با آن از انگلستان یک دست تجاوز نمی‌کند. به همین خاطر بیش‌تر پژوهشگران به دلیل پیچیدگی و کمبود اطلاعات از این دوره به عنوان دوره شگفت‌انگیز یاد می‌کنند، مخصوصاً دوره دالما و حوزه گسترش آن را تعجب‌برانگیز و قابل تأمل می‌دانند. یکی از این کمبودها و کاستی‌ها مربوط به سفال دالما است. در این مقاله برآنم تا با مروری بر سفال دالما در سه منطقه آذربایجان شرقی، غربی و کرمانشاه تصویری نسبتاً روشن از سنت سفالی دالما در اختیار قرار دهم. به طور کلی سفال‌های دالما به ۴ دسته تقسیم می‌شوند که احتمالاً با توجه به پوشش و فرم آن‌ها دارای کارکرد خاصی هستند.

واژگان کلیدی: دوره مس و سنگ، شمال غرب، زاگرس مرکزی، سفال دالما، کاربرد سفال.

درآمد

و فرهنگ‌های منطقه‌ای از سوی دیگر، اهمیت بسیار دارد (علی‌یاری و طلائی، ۱۳۸۴: ۶۴). یکی از این فرهنگ‌ها که در شمال غرب کمتر به آن پرداخته شده است، دوره مس و سنگ و سنت سفالی دالما است. متأسفانه از این فرهنگ در شمال غرب اطلاعات چندانی وجود ندارد و اطلاعات منتشر شده آن کمتر از انگلستان یک دست است. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که یک مجموعه نسبتاً کامل از سفال‌های دالمایی مطالعه شده و در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

نوشتار حاضر بر اساس بررسی و مطالعه ۴۵۰ قطعه سفال دالمایی از سه منطقه شهرستان اورمیه، بستان‌آباد در آذربایجان شرقی و سرفیروزآباد کرمانشاه که در موسسه باستان‌شناسی

سفال به جهت تولید فراوان و مداوم همیشه با دگرگونی‌ها و نوآوری‌ها در شکل و نقش سفال همراه بوده، دگرگونی‌هایی که بخشی از آن بر اثر تطور و رشد درونی فرهنگ در طول زمان بوجود می‌آید و بخشی دیگر به علت پیوندهای فرهنگی و اقتصادی با جوامع دور و نزدیک پدیدار می‌شود. از سوی دیگر سفال به دلایل گوناگون از جمله تولیدی و صادراتی بودن و کاربرد آن در حمل و نقل کالاهای تجارتي، بهترین گونه فرهنگی در شناخت اقوام و جوامع بشمار می‌آید و برای مطالعه ارتباط میان واحدهای مختلف یک فرهنگ منطقه‌ای از یک سو

- ۲- سفال‌هایی با پوشش غلیظ قرمز
- ۳- سفال‌های منقوش
- ۴- سفال‌های ساده

سفال با نقش فشاری (تزیینات فشاری):^۱

این سفال معمولاً نرم و سبک و دارای شاموت گیاهی است. معمولاً دارای پوشش غلیظ بسیار ضخیم بر روی سطح بیرونی و داخلی است. طیف رنگی این پوشش غلیظ از قرمز روشن تا قرمز تیره، قهوه‌ای روشن تا قهوه‌ای تیره و آلویی است. سطح این سفال با اندازه‌های متفاوتی دستکاری^۲ و تزیین شده است (Abdi, 2002: 136; Levin & Young, 1974: 3) و دارای برجستگی‌ها و فرورفتگی‌های نامنظم است که احتمالاً بر اثر فشار نوک انگشت و یا دیگر ابزار مثل چوب نوک‌دار یا نی توخالی یا استخوان با روش‌های مختلف، ایجاد شده‌اند. به نظر می‌رسد که برای تزیین این ظروف از شن‌های ریز و درشت استفاده شده است، زیرا در میان مجموعه سفال‌های دالما تپه در موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران تعدادی سفال با تزیینات فشاری کم عمق وجود دارد که آثار شن بر روی سطح آن‌ها باقی مانده است. به نظر می‌رسد که این ظروف را بر روی شن غلطانده‌اند و پس از خشک شدن آن‌ها را از سطح ظرف پاک کرده‌اند. این طرح‌ها قسمت‌های زیادی از سطح ظرف اما نه کل ظرف را پوشانده است. این نوع تزیین بر روی سطح سفال، در زمانی که سطح سفال هنوز کاملاً خشک نشده، ایجاد شده است (Dyson, 1969: 46). این گروه به چند دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- فشاری با اثر انگشت
- ۲- فشاری با اثر ناخن
- ۳- فشاری نوک خودکاری
- ۴- فشاری افقی تخم مرغی کم عمق
- ۵- فشاری گرد با عمق کم
- ۶- فشار با نی نیم گرد
- ۷- سوراخ‌های بیضی فشرده با عمق کم
- ۸- فشاری بزرگ و عمیق

دانشگاه تهران نگهداری می‌شوند، نگاشته شده (نقشه ۱ و نقشه رنگی ۱). در این مقاله سعی شده سفال‌های دالمایی بصورت کلی معرفی شوند و طرح‌های مشابه نیز حذف شده‌اند.

فرهنگ دالما

نام این فرهنگ از دالما تپه گرفته شده و سفال‌های آن اولین بار از همین تپه در آذربایجان بدست آمده‌اند. این تپه برای شناخت این دوره نقش کلیدی دارد (Hamlin, 1975: 117). برای سنت دالما با توجه به تاریخ‌گذاری به شیوه کربن ۱۴ و گاهنگاری‌های نسبی تاریخ‌های گوناگونی ارائه شده است. این سنت بین ۴۰۰۰-۵۰۰۰ ق.م یا ۹۵±۴۲۱۵ ق.م (Hamlin, 1975: 119) یا اواخر هزاره ۵ (۴۰۳۶) (هول، ۱۳۸۱: ۱۰۰؛ Dyson, 1969: 46; Solecki, 1973: 107) تاریخ‌گذاری شده است (جداول ۱ و ۲). هنریکسون بیان می‌کند که دوره دالما در زاگرس مرکزی قدیمی‌تر از ۴۱۰۰ ق.م نیست و سنت سفالی دالما در آذربایجان، کردستان شرقی و شمال لرستان در ۴۱۰۰-۳۷۰۰ به اوج شکوفایی می‌رسد (Henrickson, 1985: 70). در اهرنجان، تاریخ‌گذاری کربن ۱۴ از لایه‌های دالمایی تاریخ ۹۵±۴۲۱۹ ق.م را نشان می‌دهد (کارگر، ۱۳۷۲: ۷۷) و در تپه سه‌گابی با تاریخ‌گذاری نسبی به حدود ۴۵۰۰-۴۰۰۰ ق.م تاریخ‌گذاری شده است (Young & Levine, 1974: 15). کاوش در سهاچای تپه زنجان، بر اساس نتایج گاهنگاری مطلق نشان می‌دهد که این مکان در تاریخی بین ۴۰۳۸ تا ۴۲۵۲ ق.م مسکون بوده است (رحیمی سرخنی، ۱۳۸۷: ۱۹۳).

همه سفال‌های دالما دست‌سازند و دارای شاموت گیاهی بوده و خمیره آن‌ها دارای ناخالصی شن است. مغز سفال‌ها خاکستری و سطح آن‌ها ناهموار است. پوشش غلیظ این سفال‌ها در طیفی از قرمز تا قهوه‌ای تیره است اما طیفی از نخودی - کرم تا قرمز و ارغوانی نیز دیده می‌شود (نوبری و پورفرج، ۱۳۸۵: ۱۳؛ Young & Levin, 1974: 2; Henrickson, 1983: 190) و شکل و فرم همه گونه‌های آن مشابه هستند (Solecki, 1973: 101).

به طور کلی این سفال‌ها به ۴ دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- سفال‌های فشاری (تزیینات فشاری)

۹- حفره‌های اسفنجی

۱۰- نقوش ترکیبی

۱۱- سفال با نقش سبیدی

۱۲- سفال با نقش نیشگونی

گلی بسیار کوچک را در اندازه‌های مختلف به بدنه سفال اضافه کرده‌اند. به نظر می‌رسد که این تزئینات حجمی از همان گل سفال ساخته و بعداً اضافه شده اما این تزئینات حجمی خمیره متراکم‌تر و شاموت کمتری دارند (هملین، ۱۳۸۸: ۸۵). به نظر می‌رسد که تزئینات حجمی بیش‌تر در سطح خارجی سبوها انجام شده باشد. در سطح داخلی این سفال‌ها پوشش غلیظ بکار رفته که امکان دارد تک پوشش یا دو پوشش باشند (Levin & Young, 1974: 3). میانگین ضخامت این گروه از سفال‌ها بین ۱۲ تا ۲۰ میلی‌متر است.

سفال با نقش کنده

نقوش کنده بر روی تعداد نسبتاً معدودی از سفال‌ها بکار رفته است. این روش تزئین در زمانی ایجاد می‌شود که گل سفال هنوز خشک نشده و بوسیله شیئی نوک تیز، خطوطی را بر روی سفال ایجاد می‌کنند. در این دوره نقش کنده هم در داخل سفال و هم بر روی سطح بیرونی دیده می‌شود. بیش‌تر این خطوط کم عمق و بصورت افقی و موازی بر روی بدنه ظرف ایجاد می‌شدند. احتمالاً این نوع نقش با اندازه ظرف ارتباط داشته است. یعنی هرچه ظروف بزرگ‌تر است، نقش ایجاد شده بر روی آن نیز خشن‌تر و بزرگ‌تر است و بالعکس.

بر روی برخی دیگر از ظروف حکاکی‌های کوچک و ظریفی ایجاد شده که مقدار آن‌ها بسیار کم است. برخی از این ظروف نیز دارای پوشش غلیظ قرمز هستند. این ظروف شاموت گیاهی ظریف و پخت بهتری دارند. فرم بیش‌تر این ظروف شامل کاسه‌های گود و کاسه‌های ظریف و کوچکی است که برای استفاده روزمره کاربرد داشتند (Henrickson, 1983: 197). ضخامت این گروه از سفال‌ها بین ۱۰ تا ۲۵ میلی‌متر متغیر است. نقوش کنده بر روی سفال‌های این مجموعه ۵ درصد سفال‌ها را تشکیل می‌دهد.

سفال‌های منقوش

این گروه شامل ظروف دالمای تک رنگ، دورنگ و دالمای استریکی (رگه رگه) است. دالمای تک رنگ و دو رنگ دارای تنوع زیادی در رنگ و موتیف هستند، اما یک سنت نقاشی

نقش‌های ایجاد شده روی سطح سفال با توجه به اندازه ظرف و یا کاربرد آن متفاوت است. بطور مثال سبوهای ذخیره و یا خمره‌ها دارای نقش‌های فشاری گود، با فاصله کم و بزرگ هستند (Henrickson, 1983: 195). این سفال‌ها معمولاً دارای بدنه کلفت و ضخیم و شاموت گیاهی و گاهی بدون پوشش غلیظ هستند (Abdi, 2002: 136). ظروف متوسط دارای شاموت متوسط، ظریف و گل سفال نخودی تا قرمز و از ظروف ذخیره حرارت بهتری دیده‌اند و گل آن‌ها غلیظ‌تر و فشرده‌تر است. سطح این نوع سفال‌ها دارای تزئینات فشاری متنوعی است. نوعی دیگر از این تزئینات، سوراخ‌هایی هستند که بر روی سطح سفال ایجاد کرده‌اند. این سوراخ‌ها با چوب یا نی یا شئی شبیه آن ایجاد شده است (Levin & Young, 1974: 3). سفال با نقش نیشگونی نیز مانند سفال‌های فشاری، سطحی نامنظم دارند، اما برای ایجاد نقش مقداری از گل بدنه سفال را توسط دست یا با کمک اشیا دیگر به سمت بیرون کشیده‌اند. در کل فرم این گروه از سفال‌ها، شامل دیگ‌های دهانه‌باز با فرورفتگی در زیر لبه، ظروف استوانه‌ای شکل، ظروف کروی شکل دهانه‌تنگ، دیگ‌هایی با لبه بیرون برگشته و گردن کوتاه است (Henrickson, 1983: 197; Abdi, 2002: 136) (تصویر ۱ تا ۴).

سفال با نقوش فشاری ظریف شامل ظروف تقریباً ظریف هستند. این سفال‌ها دارای تزئینات فشاری نوک خودکاری یا نقوش فشاری کم عمق و گرد و یا سوراخ‌های کوچکی هستند که بر سطح سفال ایجاد شده‌اند. فرم این سفال‌ها مشابه با نمونه‌های ذکر شده است. ضخامت این گروه از سفال‌ها بین ۱ تا ۲/۵ میلی‌متر است. سفال با نقوش فشاری ۲۰ درصد مجموعه را تشکیل می‌دهد.

سفال با نقش افزوده

سفال‌های با نقش افزوده دارای نقوشی هستند که گلوله‌های

سفال‌های ساده

این گروه شامل ظروف بدون پوشش و ساده و سفال‌هایی با پوشش غلیظ ساده است. سفال با پوشش غلیظ به دو گروه یک پوشش و دو پوشش تقسیم می‌شوند. تک پوشش‌ها معمولاً در طیفی از ارغوانی تیره تا قرمز و نخودی هستند. برخی مواقع دو طرف ظرف را دو پوشش گلی غلیظ پوشانده است و برخی اوقات تک پوشش است. بعضی اوقات بر روی یک سطح ظرف دو پوشش و سطح دیگر تک پوشش است (Young & Levin, 1974: 3). همه سفال‌های این گروه دست‌ساز، دارای شاموت گیاهی خشن و متوسط یا شاموت ماسه‌ای با درصد بسیار کم هستند اما درصد زیادی از آن‌ها شاموت گیاهی دارند (Young & Levin, 1974: 2). اغلب سفال‌های این گروه حرارت ناکافی دیده‌اند اما برخی از آن‌ها نیز حرارت کافی و مناسب دیده‌اند که معمولاً سطح آن‌ها با روش دست مرطوب صیقلی شده است و بعد روی آن‌ها پوشش ضخیمی ایجاد کرده‌اند. این پوشش قرمز یا طیفی از رنگ قرمز تا قرمز تیره و قهوه‌ای است، همچنین طیفی از کرم تا ارغوانی و قرمز نیز دیده می‌شود (Henrickson, 1983: 190-191). فرم این سفال‌ها شامل کاسه‌های استوانه‌ای، کاسه‌های کروی با دهانه تنگ، کاسه‌های کروی با دهانه باز، سبوه‌های گردن کوتاه با شیار در زیر لبه و انواع دیگرها است. بطور میانگین ضخامت این سفال بین ۱۰ تا ۱۵ میلی‌متر است.

سفال‌های دو پوشش غلیظ، سفال‌هایی هستند که ابتدا توسط یک پوشش غلیظ به رنگ روشن مثل کرم یا نخودی سطح سفال را پوشش می‌دادند و بعد روی آن را با یک پوشش غلیظ تیره مثل طیفی از رنگ قهوه‌ای یا قرمز یا ارغوانی می‌پوشاندند. سفال‌های دو پوشش معمولاً بر روی کرم یا سفید به کار رفته‌اند (Young & Levin, 1974: 2). فرم سفال‌های دالما دو پوشش شامل کاسه‌های مخروطی، کاسه‌های دهانه تنگ، کاسه‌های دهانه باز، ظروف استوانه‌ای با بدنه عمودی، دیگ‌هایی با گردن کوتاه و تنگ و دیگ‌هایی با گردن کوتاه و فرورفتگی در زیر لبه (Abdi, 2002: 138; Henrickson, 1983: 192) و سینی‌هایی با عمق بسیار کم است (تصاویر ۹ تا ۱۲). بطور متوسط دارای ضخامت بین ۱۰ تا ۱۵ میلی‌متر هستند.

یکسان دارند. نقوش هم بر سطح داخلی ظروف و هم بر سطح بیرونی دیده می‌شوند، اما بیش‌ترین نقش‌ها بر روی سطح بیرونی ظروف ایجاد شده‌اند (Levin & Young, 1974: 3). نقوش با رنگ قرمز یا قهوه‌ای تیره، همچنین در برخی موارد با رنگ سیاه بر روی زمینه نخودی یا کرم تا نارنجی نقش شده‌اند (Dyson, 1969: 46). رنگ نقوش سفال‌های دو رنگ قرمز و ارغوانی تیره یا سیاه بر روی پوشش گلی غلیظ کرم است. این نقوش بطور متراکم بر روی سطح سفال به چشم می‌خورند و همه موتیف‌های آن هندسی هستند و موتیف‌های طبیعت‌گرایانه در بین آن‌ها دیده نمی‌شود (Levin & Young, 1974: 3). زمانی که نقوش بر روی بدنه بدون پوشش غلیظ بکار رفته باشد، طرف دیگر دارای پوشش غلیظ است و زمانی که نقوش بر روی پوشش غلیظ بکار رفته باشد، طرف دیگر ظرف دو پوششی است. این گروه از سفال‌ها دارای ضخامت بین ۴ تا ۱۰ میلی‌متر هستند.

دالمای استریکی تفاوت آشکاری در شاموت سفال با بقیه دارد یعنی این که در گل سفال بعضی از ظروف بطور عمدی همراه با شاموت گیاهی، شن و ماسه نیز مخلوط شده است. این ظروف دارای حرارت بهتر، گل سفال سخت‌تر و تراکم بیش‌تر و گل سفال با تخلخل کم‌تر بوده و اغلب با پوشش غلیظ رگه رگه مجزا تزیین شده است (Henrickson, 1983: 200). برخلاف دالمای تک رنگ و یا دو رنگ، دالمای استریکی (خط خطی) بعد از تزیین صیقلی شده‌اند. موتیف‌های تزیین این گروه شامل خطوط منفرد مجزا، زیگزاگ‌های منفرد، نقوش لوزی و زیگزاگ، انواع مثلث‌ها، انواع بیضی‌ها، هاشورهای متقاطع، خطوط بیضی و خطوط صاف، زیگزاگ‌ها و خطوط صاف، مثلث‌های توپر، مثلث‌های آویزان و ترکیبی از این نقوش است. فرم این ظروف شامل ظروف دهانه تنگ با بدنه زاویه‌دار، ظروف استوانه‌ای، کاسه‌های کروی، دیگ‌هایی با گردن کوتاه و شیار در زیر لبه، سبو با گردن کوتاه، سبو با گردن بلند و کاسه‌های مخروطی است (Henrickson, 1983: 202) (تصویر ۵ تا ۸). بطور میانگین بین ۴ تا ۱۵ میلی‌متر ضخامت دارند. سفال‌های منقوش در حدود ۲۵ درصد مجموعه را تشکیل می‌دهند.

ندارد و در لایه‌های دالما تپه تقریباً بعد از سفال منقوش رایج می‌شود. از طرف دیگر این سنت فشاری و نقش کنده در نیمه جنوبی آناتولی، نیمه شمالی بین‌النهرین در دوره حسونا - سامرا (نوسنگی جدید) رایج است. در نوسنگی جدید در نیمه جنوبی آناتولی، نیمه شمالی بین‌النهرین و شمال شرقی سوریه سنتی سفالی رواج پیدا می‌کند که به سنت حسونا - سامرا مشهور است. از خصوصیات این سنت، تزیین سفال با نقوش کنده، فشاری انگشتی و فشاری ناخنی و همچنین سفال‌هایی است که دارای پوشش غلیظ قرمز رنگ است. احتمالاً این سنت سفالی از طریق دره‌های شمال شرقی این ناحیه به حوضه دریاچه اورمیه راه یافته است.

احتمالاً در دوره دالما، سنت دالما به سمت جنوب (زاگرس مرکزی) گسترش پیدا می‌کند. این سنت با سنت عیید ۳ و ۴ در بین‌النهرین تقریباً همزمان است و به دلایل نامعلومی حتی تا بین‌النهرین و سوریه هم انتشار می‌یابد. با توجه به یافت شدن سفال‌های منسوب به دالما در ارتفاعات بیش‌تر از ۱۸۵۰ متر و حتی بالاتر از ۲۰۰۰ متر در مکان‌های غیر قابل کشاورزی و سنگلاخی چون ارتفاعات منطقه ابررود (خسروی و دیگران، ۱۳۸۸) و همچنین در غارهایی مانند غار کانی میکایل (روستایی و رضوانی، ۱۳۸۱) و پناهگاه زرده گورا II^۱ در هرسین مشخص می‌شود که مردمان فرهنگ دالما به احتمال دارای دو الگوی سکونت و معیشتی متفاوت بوده‌اند، کشاورزانی یکجانشین بر پایه تولید محصولات زراعی و دامداران کوچرو بر پایه تولید منابع دامی بوده‌اند (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۴۶ و ۱۳۹۲).

با توجه به نمودار شماره ۱، بطور کلی سفال‌های ساده در هر سه منطقه با ۵۰ درصد، بیش‌ترین گروه سفالی مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند و کم‌ترین آن‌ها مربوط به سفال‌های دالما - عیید با دو درصد است. بنظر می‌رسد که هر چه از سمت شمال غرب به سمت زاگرس مرکزی حرکت می‌کنیم از درصد سفال‌های فشاری و نقش کنده کاسته می‌شود (نمودارهای ۲ تا ۴)، اما فراوانی سفال‌های ساده در هر سه منطقه تقریباً مشابه است. در این میان سفال‌های استریکی، تک رنگ و چندرنگ در این

سفال‌های ساده بدون پوشش و بدون صیقل شاموت خشن گیاهی و اغلب پخت ناکافی دارند. از نظر ریخت‌شناسی بیش‌تر سطح‌شان مات و با روش دست مرطوب سطح آن‌ها پرداخت شده است. فرم آن‌ها شامل کاسه‌های کروی، ظروف استوانه‌ای، دیگ‌هایی با گردن کوتاه و سینی‌های بزرگ است. در مجموع سفال‌های ساده ۵۰ درصد سفال‌های مجموعه را تشکیل می‌دهند.

سفال‌های دالما - عیید

این نوع سفال در شمال غربی ایران وجود ندارد اما همزمان با سفال‌های دالما در زاگرس مرکزی مشاهده می‌شود (Dyson, 1969: 46). سفال‌های این گروه دارای خمیره نخودی، نخودی روشن، ظریف یا ظریف متوسط، دارای شاموت گیاهی، گیاهی - شنی و بدون پوشش غلیظ و بدون صیقل هستند. سطح این سفال‌ها با روش دست مرطوب پرداخت شده، همه آن‌ها دارای نقوش سیاه، قهوه‌ای تیره، یا قرمز تیره بوده و موتیف‌های روی این ظروف هندسی‌اند که بصورت افقی و در برخی مواقع افقی و عمودی توأم منظم شده‌اند (Henrickson, 1983: 203) (تصویر ۱۳). فرم آن‌ها شامل ظروف استوانه‌ای، ظروف کروی شکل، ظروف زاویه‌دار در بدنه، کاسه‌های نیم کروی و کاسه‌های نیم کروی دهانه باز و بطور متوسط این سفال دارای ضخامتی بین ۳ تا ۸ میلی‌متر است. سفال‌های دالما - عیید، دو درصد مجموعه را تشکیل می‌دهند.

سخن پایانی

بر اساس حفاری دالما تپه (Hamlin, 1975) و گودین تپه (Young & Levin, 1974) سفال‌های منقوش دالما در لایه‌های تحتانی دالما وجود دارند و سفال‌های فشاری بعد از مدتی کم‌کم ظاهر می‌شوند (Henrickson, 1983; 1985). اگر اینچنین باشد، لایه‌های دالمایی با سفال‌های فشاری اندکی جدیدتر از لایه‌های منقوش هستند. به نظر می‌رسد که سنت سفالی دالمای منقوش، ادامه دهنده سنت سفالی حاجی‌فیروز در شمال غرب ایران است (Solecki, 1973)، اما سنت سفالی گروه فشاری و نقش کنده در شمال غرب ایران هیچ پیشینه‌ای

۱- نگارنده در میان مجموعه سفالی این پناهگاه سفال دالما مشاهده کرده است.

هستند که کمتر با آتش در ارتباط بوده‌اند.

گروه دیگر، سفال‌های منقوشند که با توجه به فرم آن‌ها می‌توان کاربردهای متفاوتی برایشان در نظر گرفت. البته این نکته نیز نباید فراموش شود که سفال‌های دالمایی بصورت منطقه‌ای تولید شده‌اند و سفال‌های هر منطقه از نظر فن تولید (تزیین، کیفیت ساخت و مانند آن) با دیگر مناطق اندکی تفاوت دارند؛ شاید این تفاوت منعکس کننده تأثیرات بومی و منطقه‌ای باشد. اما این تفاوت‌ها در جزئیات است و از نظر کلی با هم تفاوت آنچنانی ندارند. از این نمونه می‌توان به سفال‌های دالمایی حوزه ابهرود اشاره کرد که تزیینات بر روی سفال با کمی مهارت بیشتر ترسیم شده‌اند (خسروی و دیگران، ۱۳۸۸) (تصویر ۱۴).

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانم از دوست عزیزم جناب آقای سجاد علی بیگی بخاطر بازخوانی مقاله و تذکرات سودمندش تشکر و قدردانی نمایم.

منابع

الف) فارسی

رحیمی سرخنی، رقیه، ۱۳۸۷، گاهنگاری نسبی و مطلق محوطه پیش از تاریخی سهاچای تپه در استان زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

روستایی، کورش و حسن رضوانی، ۱۳۸۱، «گزارش مقدماتی گمانه‌زنی در غار کانی میکاییل کردستان، شهریور و مهر ۸۰»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۷۶-۵۸.

علی‌یاری، احمد و حسن طلایی، ۱۳۸۴، «تحلیل ساختار نقوش نوسنگی شمال غرب ایران»، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۲-۱۷۳، دوره ۵۶، صص ۷۷-۶۱.

کارگر، بهمن، ۱۳۷۲، بررسی و گمانه‌زنی در اهرنجان و قره تپه دشت سلماس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

مجموعه‌ها وجود نداشت و فقط در مجموعه سرفیروزآباد سفال‌های دالما عبید به صورت بسیار محدود قابل مشاهده است. از نظر فرم، در شمال غرب، بیش‌ترین فرم سفال‌ها مربوط به سبوها است و کاسه‌ها در جایگاه دوم قرار دارند، اما در زاگرس مرکزی این وضعیت اندکی متفاوت است و کاسه‌ها بیش‌ترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند و سبوها در جایگاه بعدی قرار گرفته‌اند (نمودارهای ۵ تا ۷).

با توجه به سفال‌های موجود می‌توان نتیجه گرفت که سفال‌های ساده به همراه سفال‌هایی که تزیینات فشاری و یا کنده دارند در ارتباط با امور پخت و پز و فعالیت‌های آشپزخانه‌ای هستند یعنی این ظروف در تماس مستقیم با آتش بوده‌اند. اما به نظر می‌رسد که ظروفی که تک پوشش غلیظ و یا دو پوشش هستند کم‌تر در معرض آتش قرار گرفته‌اند و کمتر در امور پخت و پز کاربرد داشته‌اند. از دیگر دلایل این بحث فرم این ظروف است؛ بیش‌تر ظروفی که دارای پوشش غلیظ و یا منقوش هستند، ظروف دهانه باز، از جمله انواع کاسه‌ها و سبوها

حیدری، محسن، ۱۳۸۹، بررسی و مقایسه تطبیقی سفال دالما بر اساس بررسی سفال‌های مناطق بستان‌آباد (آذربایجان شرقی)، سرفیروزآباد (کرمانشاه) و (اورمیه) آذربایجان غربی و حوزه گسترش آن در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

_____، ۱۳۹۲، «مروری بر فرهنگ دوره مس و سنگ شمال غرب ایران و پیشنهاداتی برای حوزه گسترش سنت دالما»، پیام باستان‌شناسی، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال دهم، شماره نوزدهم، صص ۵۰-۳۷.

خسروی، شکوه، حمید خطیب شهیدی و سجاد علی بیگی، ۱۳۸۸، «حوضه آبریز ابهر رود در دوره مس و سنگ: مروری بر استقرارهای دالمایی حاشیه شمال غربی مرکز فلات ایران»، پیام باستان‌شناسی، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال ششم، شماره دوازدهم، صص ۵۲-۳۷.

هملین، کارول، ۱۳۸۸، «دالما تپه»، در: مجموعه مقالات تمدن‌های دشت سولدوز (اشنویه، نقده)، ترجمه صمد علیون و علی صدرایی، اورمیه: گنجینه هنر/ سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی، صص ۱۰۱-۷۶.

Abdi, K., 2002, *Strategies of Herding: Pastoralism in the Middle Chalcolithic Period of the West Central Zagros Mountains*, Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology, University of Michigan.

Dyson, R. H. Jr., 1969, "A Decade in Iran", *Expedition*, Vol. 11, No. 2, pp. 39-47.

Hamlin, C., 1975, "Dalma Tepe", *IRAN*, Vol. XIII, pp. 111-127.

Henrickson, E. F. F., 1983, *Ceramic Styles and cultural Interaction in the Early and Middle Chalcolithic of central Zagros*, Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology, University of Toronto.

Henrickson, E. F. F., 1983, 1985, "An Update

هژبری نویری، علیرضا و اکبر پورفرج، ۱۳۸۵، «تیین دوران نوسنگی و کالکولیتیک منطقه اردبیل بر اساس داده‌های قوشاتپه شهریری»، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۸۰-۲، دوره ۵۷، صص ۲۶-۱.

(ب) غیرفارسی

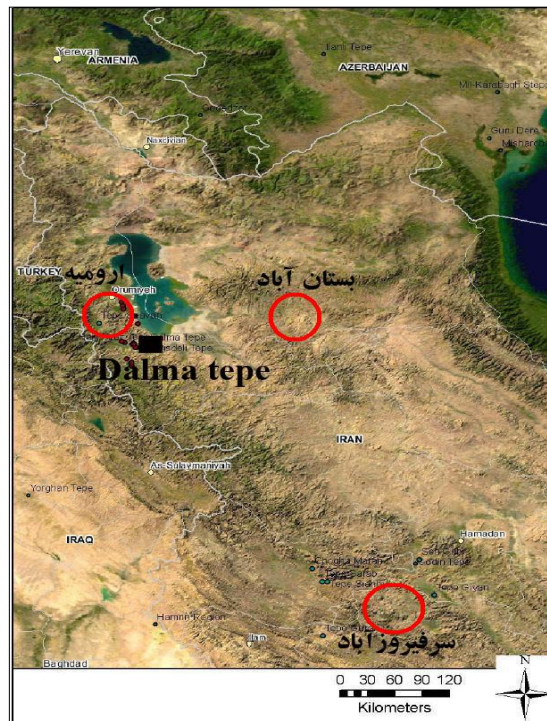
Chronology of the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros highlands, western Iran", *IRAN*, Vol. XXIII, pp. 63-108.

Solecki, R. R. L., 1973, "Tepe Seavan, a Dalma period Site in the Margavar valley Azerbaijan, Iran", *Bulletin of the Asian Institute*, Vol. 3, pp. 98-116.

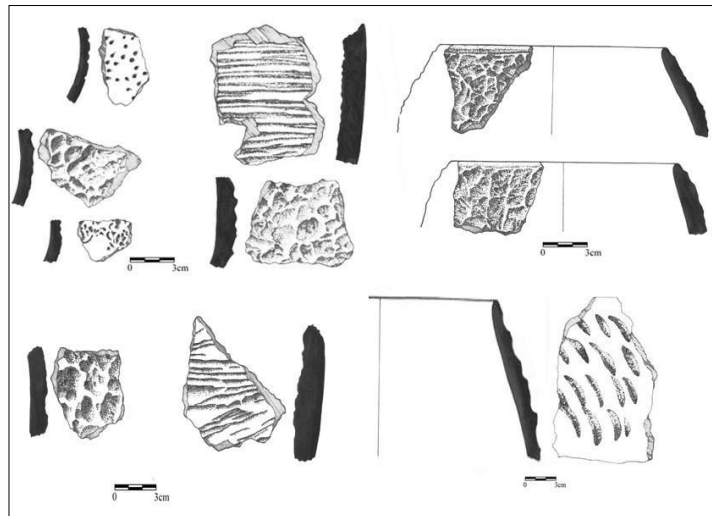
Tonoike, Y., 2009, *Beyond Style: Petrographic analysis of ceramics in two regions of Iran*, Ph.D. Dissertation, Department of Philosophy, University of Yale.

Young, T. C. Jr., & Levin, L. D., 1974, *Excavation of the Godin Project: Second Progress Report*, Royal Ontario Museum Art and Archaeology.

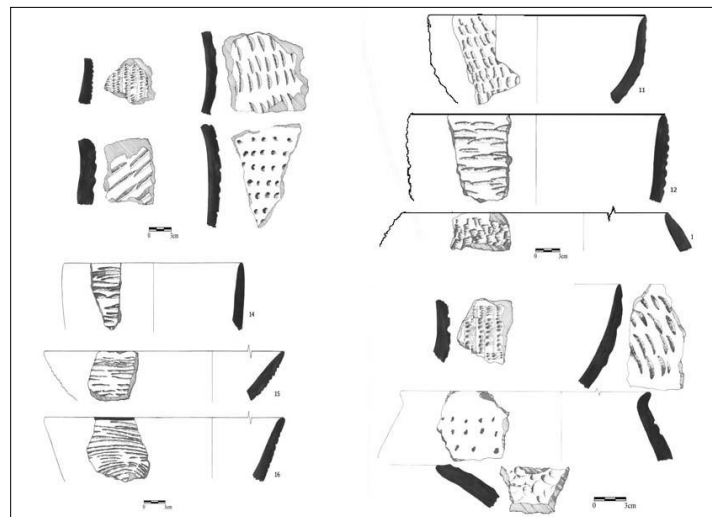
تصاویر



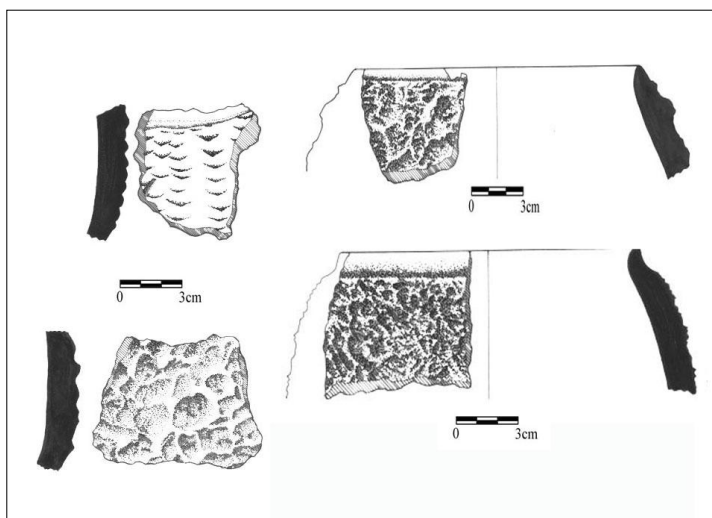
نقشه ۱: مناطق مورد مطالعه که سفال‌های دالمایی آن در موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران نگهداری می‌شوند (با کمی تغییرات، برگرفته از Tonoike, 2009: fig. 4).



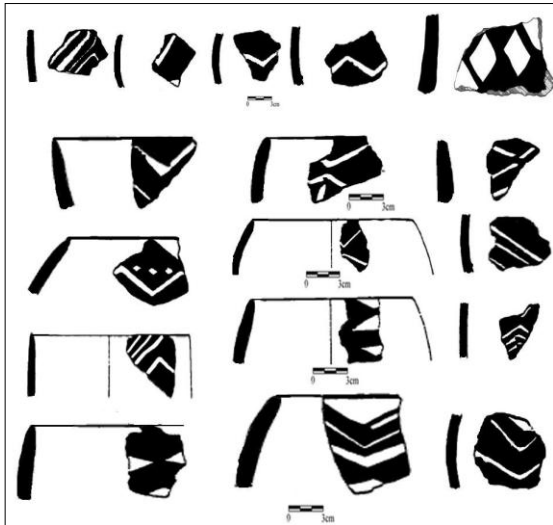
تصویر ۱: سفال‌های تپه سه گر با نقش فشاری و کنده (تصویر از نگارنده).



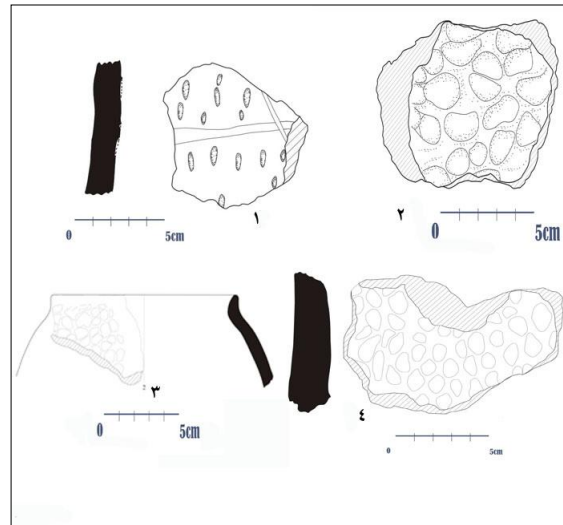
تصویر ۲: سفال‌های تپه دالما با نقش فشاری و کنده (تصویر از نگارنده).



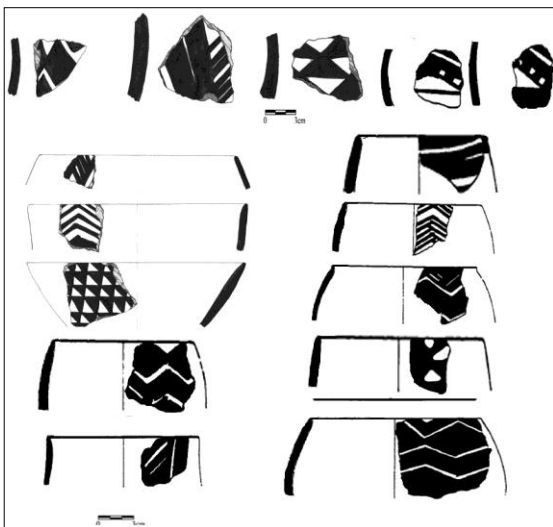
تصویر ۳: سفال‌های تپه دیاله با نقش فشاری و کنده (تصویر از نگارنده).



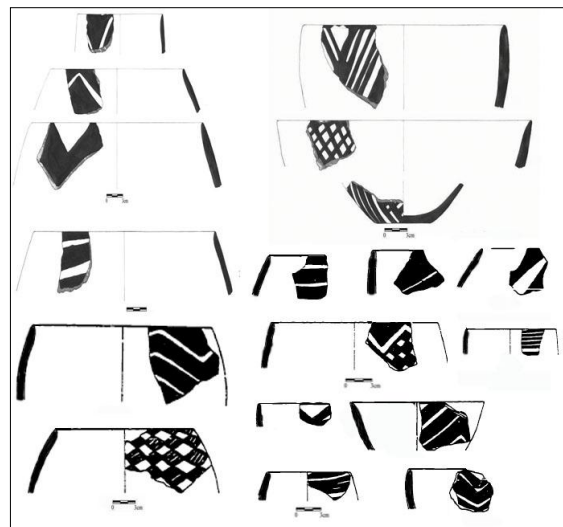
تصویر ۵: سفال‌های دالمایی منقوش سه‌گر (تصویر از نگارنده).



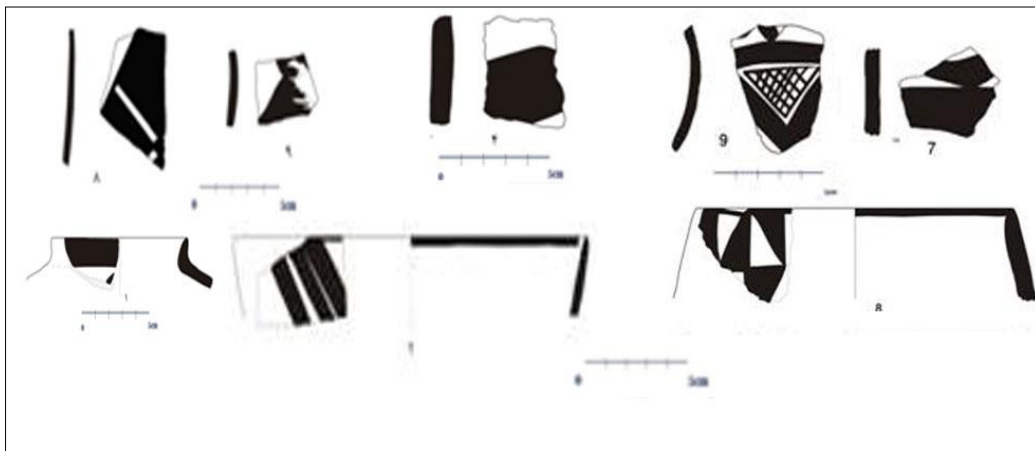
تصویر ۴: سفال‌هایی با نقش فشاری از تپه‌های ۱- سراب،
۲ و ۳- شش کلک کو ۱، ۴- گرمیانک ۲ (تصویر از نگارنده).



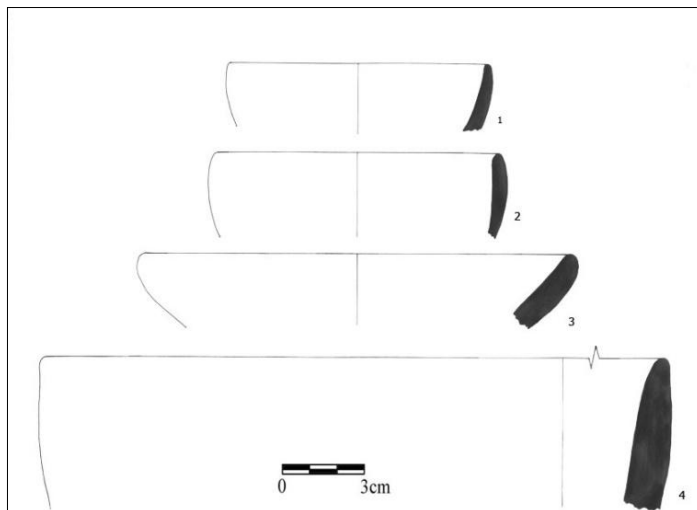
تصویر ۷: سفال‌های منقوش تپه دیاله (تصویر از نگارنده).



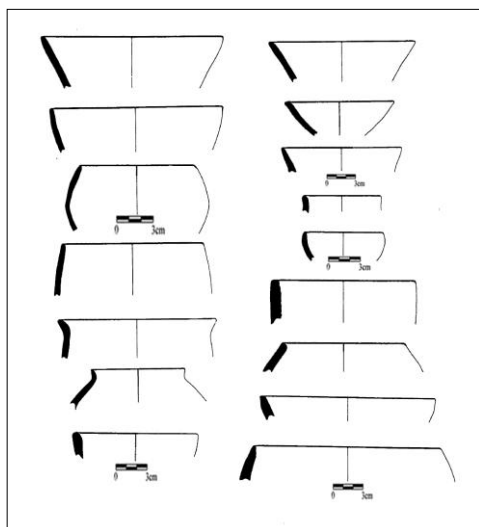
تصویر ۶: سفال‌های منقوش دالما تپه (تصویر از نگارنده).



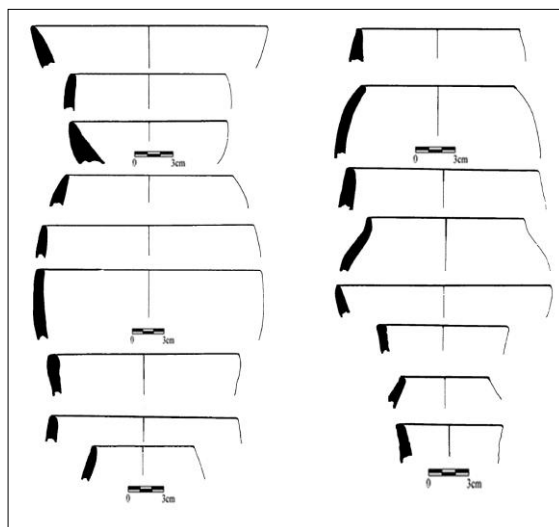
تصویر ۸: سفال‌های منقوش سرفیروزآباد.



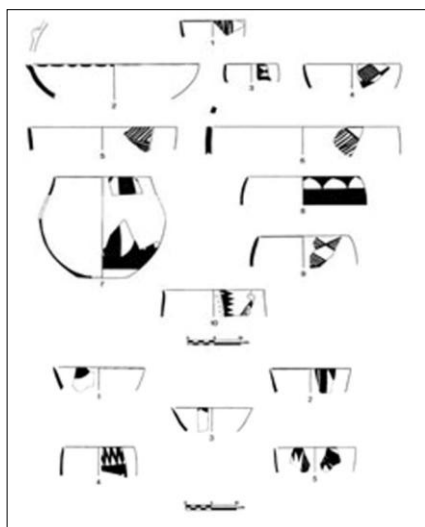
تصویر ۹: سفال‌های دالمایی ساده تپه یوسف آباد (تصویر از نگارنده).



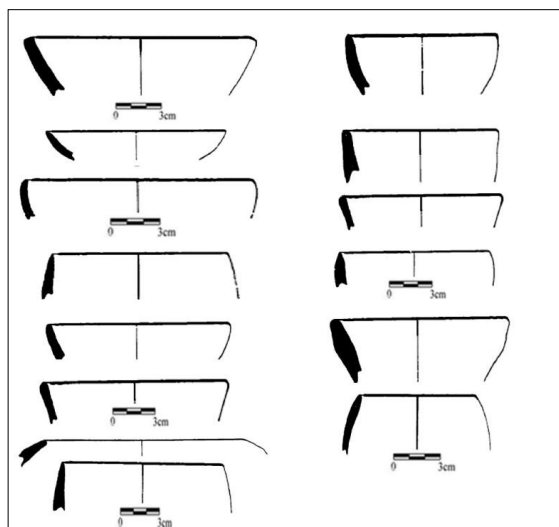
تصویر ۱۱: سفال‌های ساده دالمایی تپه دالما (تصویر از نگارنده).



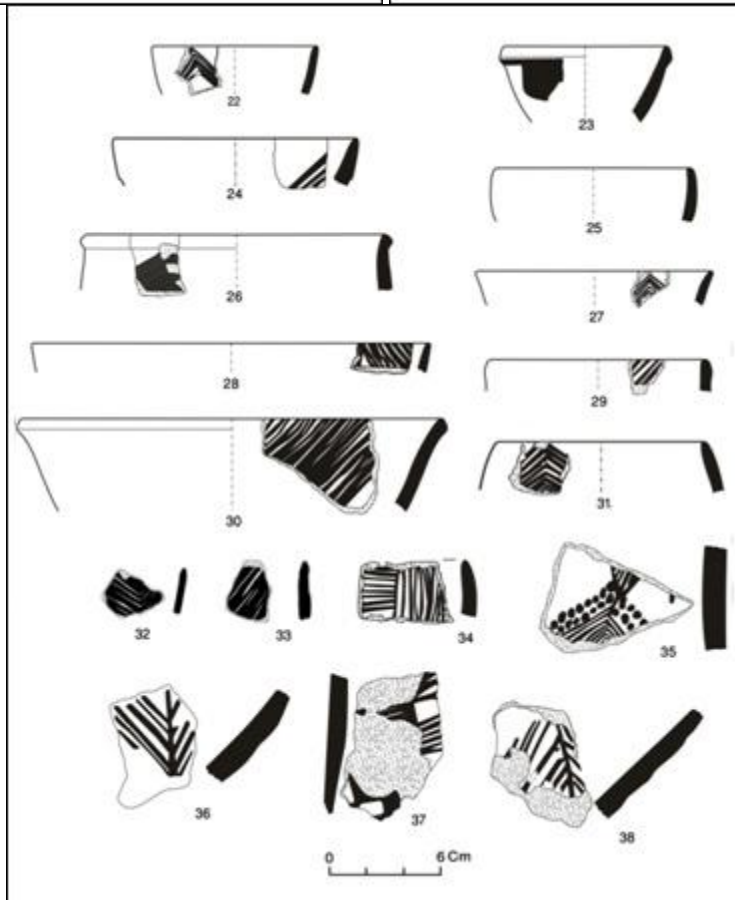
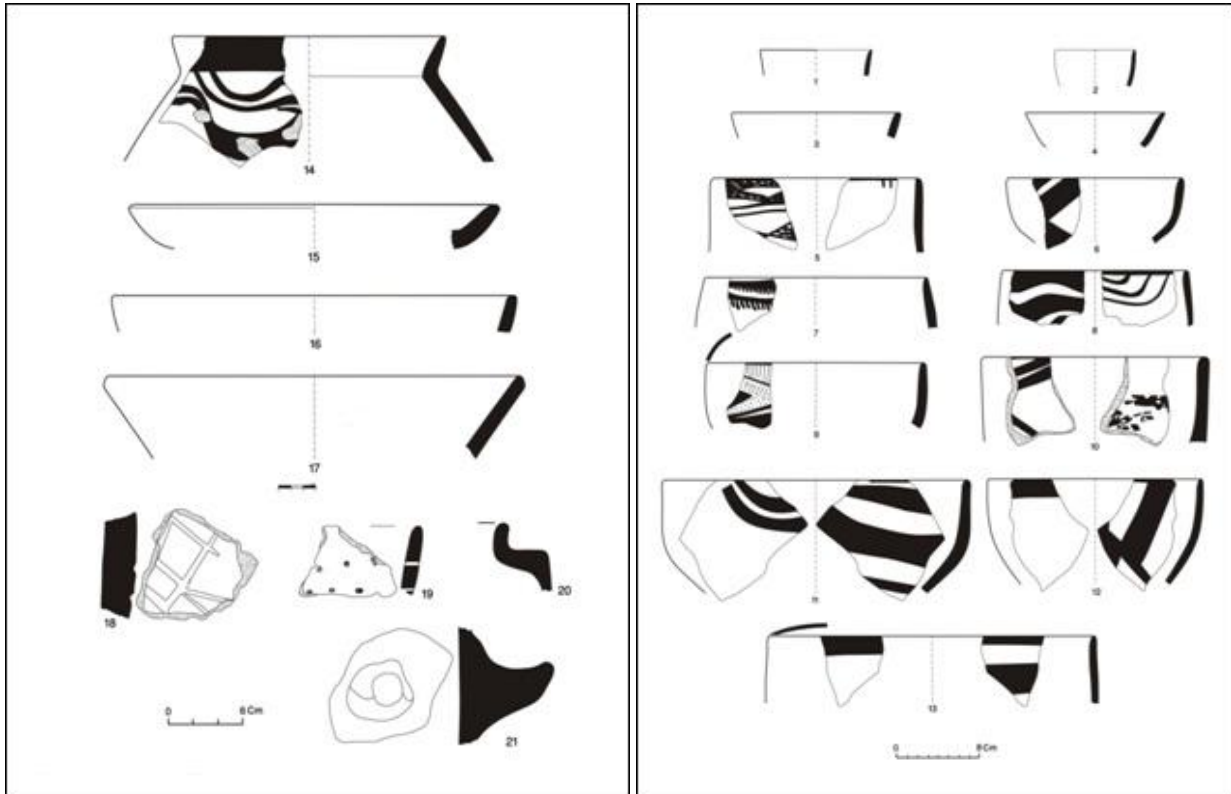
تصویر ۱۰: سفال‌های ساده تپه سه گر (تصویر از نگارنده).



تصویر ۱۳: سفال‌های دالما عبید (Henrickson, 1983: Fig. 72).



تصویر ۱۲: سفال‌های ساده دالمایی تپه دیاله (تصویر از نگارنده).



تصویر ۱۴: سفال‌های دالمایی ابهر رود (خسروی و دیگران، ۱۳۸۸: طرح ۱-۳)

جدول ۱: گاهنگاری ارائه شده دوره دالما توسط هنریکسون (Henrickson, 1985: 97).

| | MASCA | LIBBY | MAHIDASHT | | KANGAVAR | SOLDUZ | MESOPOTAMIA | | KHUZISTAN | | LIBBY |
|---------------------------|-------------|-------|-----------------------------|-----------------------------|----------------------|-------------|-----------------|--------------------|---------------------|-----------|-------|
| | B.C. APPROX | b.c. | TEPE SIAHBID | CHOGHA MARAN | GODIN TEPE SEH GABI | | North | South | SUSIANA | DEH LURAN | b.c. |
| LATE CHALCOLITHIC | 3400-2700 | | | | Period VI | | Gawra | | | | |
| | 3500-2800 | | | | | | XI | Middle Uruk | | | |
| | 3600-2900 | | | ? | | | XIA | Early Uruk | | | |
| LATE MIDDLE CHALCOLITHIC | 3700-3000 | | | Maran Phase 105-116 302-303 | Period VII | | | | | Sargarab | 3000 |
| | 3800-3100 | | | | Period VIII | | | | | | |
| | 3900-3200 | | | ? | | | XII | 'Terminal Ubaid' | Susa A | ? | |
| MIDDLE CHALCOLITHIC | 4000-3300 | | | | Period IX (Seh Gabi) | Pisdeli | XIII | Ubaid 4 | Late Susiana | | 3500 |
| | 4100-3400 | | Late Siahbid Phase 101-102 | | | | | | | Farukh | |
| | 4200-3500 | | | | | | XIV | | | | |
| | 4300-3600 | | | | | | | | | | |
| EARLY MIDDLE CHALCOLITHIC | 4400-3700 | | Early Siahbid Phase 201-202 | Early Siahbid Phase 304-305 | Period X (Dalma) | Dalma | XV | Middle Susiana 2-3 | Bendeбал 27-11 | ? | |
| | 4500-3800 | | | | | | XVI | | | | |
| | 4600-3900 | | | | | | XVII | Ubaid 3 | | Bayat | 4000 |
| | 4700-4000 | | | | | | | | | | |
| | 4800-4100 | | | | Shahnabad | | XVIII | | M.S. 1 | Mehmeh | |
| | 4900-4200 | | J Ware Phase (203-206) | J Ware Phase (306) | | | XIX | | Jowi 17-11 | | |
| | 5000-4300 | | | | | | | Ubaid 2 | Early Susiana | Khazineh | |
| EARLY CHALCOLITHIC | 5100-4400 | | | | | | | | | | |
| | 5200-4500 | | | | | | H A | | | | |
| | 5300-4600 | | | | | | L A | | Archaic Susiana III | Sabz | |
| | 5400-4700 | | | | | | C M T | Ubaid 1 | Jaffarabad 4-6 | CMT | 4500 |
| | 5500-4800 | | | | | | A | | | | |
| | 5600-4900 | | | | | | F | | | Surkh | |
| | 5700-5000 | | | | | | H A S S U N A N | | | | |
| | 5800-5100 | | Late Sarab 103-106 | (Late Sarab) (below 306) | | Hajji Firuz | | | | Sefid | |
| LATE NEOLITHIC | 5900-5200 | | | | | | | | Formative | M. Jaffar | 5000 |
| | 6000-5300 | | | | | | | | | | |

جدول ۲: گاهنگاری جدید دالما (Tonoike, 2009: Fig. 18).

| Period | cal. BC | Urmia Basin | Kangavar | Southern Mesopotamia | Northern Mesopotamia |
|---------------------|---------|-------------|-----------------------|-----------------------|----------------------|
| Middle Chalcolithic | 5000 BC | | Godin VIII | Ubaid 4 (Late Ubaid) | Ubaid |
| | | | Godin IX (Sehi Gabi) | | |
| | | Pisdeli | | Ubaid 3 (Early Ubaid) | Late Halaf |
| Early Chalcolithic | | | Godin X | Ubaid 2 | |
| | | | Godin XI | | |
| | 6000 BC | Dalma | Godin XII (Shahnabad) | Ubaid 1 | Early Halaf |
| | | | | Samarran/CMT | |
| Late Neolithic | 7000 BC | Hajji Firuz | | | Hassuna |

